

چکیده

موضوع این مقاله ادعاهای قادیانی است. از این رو، نخست زمان ظهور ادعاهای قادیانی مطرح می‌شود. او نخستین بار در سال ۱۸۸۰ و یا ۱۸۸۳ میلادی و آخرین بار در سال ۱۹۰۴ میلادی ادعا کرد و در این زمان‌ها انواع ادعاها (مجدد بودن، مهدی موعود بودن، مسیح موعود بودن، نبی مرسل بودن و کرشن) را مطرح کرده است. در این ادعاها تناقض گویی‌های قادیانی رخ می‌نماید.

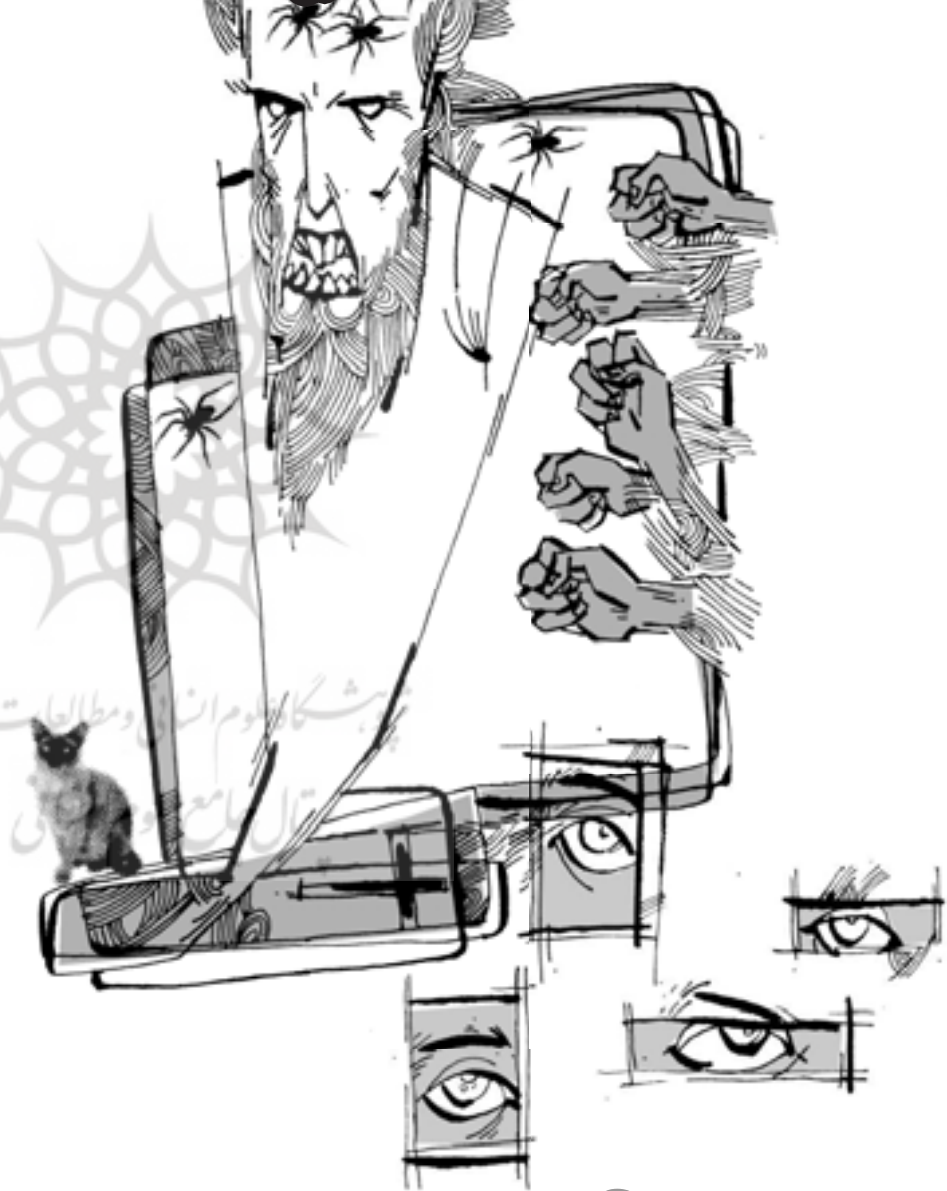
قادیانی خود را نبی خوانده و از این رو، به عدم خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ قائل شده است. با وجود این، به علت آن که مسلمانان او را محکوم کردند، دوباره به خاتمیت معتقد شد، اما با مکر و فریب خواست نبوت خود را اثبات کند که بطلان آن ثابت می‌شود.

قادیانی به مرگ حضرت مسیح معتقد شد تا بین دو ادعای خود (مسیح بودن و مهدی موعود بودن) برای موعود آخرالزمان جمع کند. از اقوالی که در این مقاله مطرح می‌کند، معلوم می‌شود بعد از سال ۱۸۸۰ میلادی این دعاوی را مطرح کرده و به ترتیب مجدد قرن، مهدی موعود، مسیح موعود، نبی مرسل، رسول ناقص و کرشن هندوها را در زمان‌های مختلف ادعا کرده است.

قادیانی برای اثبات دعاوی خود معجزات و کراماتی را نقل می‌کند که اکثر از امور عادی به شمار می‌روند و بعضی موارد متحقق شده‌اند و گاه تحقق نیافته‌اند.

این مقاله می‌کوشد به تناقض گویی‌ها در گفتار قادیانی نیز بپردازد. برای مثال، قادیانی در ابتدا خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ را انکار می‌کند و بعد از آن که گرفتار اعتراضات مسلمانان می‌شود، می‌گوید که من فقط برای تجدید و تأیید اسلام آمده‌ام و اسلام آخرین دین و آخرین پیامبر، پیامبر اسلام است و من برای سرپرستی این اسلام مبعوث شده‌ام.

ادعای قادیانی



واژگان کلیدی

مقدمه

فرقه‌های منحرف زیادی در طول تاریخ به وجود آمده‌اند. علل به وجود آمدن این فرقه‌ها بسیار است. برای نمونه، اغراض سیاسی و اغراض مذهبی و یا اغراض مالی و خودخواهی، بیشترین دلیل برای پیدایی این فرقه‌ها هستند.

فرقه قادیانیه و یا احمدیه نیز از ردیف فرقه‌هایی به شمار می‌رود که علت سیاسی و استعماری داشته است.

هم‌اکنون این فرقه پیروان بسیاری دارد. هواداران این فرقه، روز به روز تبلیغاتشان را گسترده‌تر می‌کنند. از این رو، لازم است که واقعیت‌ها در مورد این فرقه بیان شوند.

در مقاله پیشین که با عنوان «نقش استعمار در پیدایش و گسترش فرقه قادیانیه» به چاپ رسید، به نقشه‌های شوم استعمار انگلیس و چگونگی پیدایش این فرقه پرداختیم. در این نوشتار، می‌کوشیم که زمان طرح ادعاهای دروغین قادیانی، ادعاهای او و چگونگی طرح آنها را مطرح و اثبات کنیم.

در آخر این مقاله نیز به معجزات و پیش‌گویی‌های قادیانی همراه با نقض آنها پرداخته شده است که بطالان همه آن موارد وضوح دارد.

ادعاهای قادیانی چه زمانی آغاز شد؟

۱. قادیانی، اولین بار، در سال ۱۸۸۰ میلادی ادعای مهدویت را مطرح کرد. و به گفته بعضی از مستشرقان، در سال ۱۸۸۹ میلادی درستی پیام خویش را با نشانه‌ها و پیش‌گویی‌هایی اثبات کرد.^۱

۲. او اولین بار ادعای مهدی بودن خود را در سال ۱۸۸۳ میلادی مطرح نمود و در ۲۳ مارس ۱۸۸۹ میلادی به طور قاطع خود را مهدی موعود خواند.^۲

۳. بنا بر گفته مودودی، قادیانی در سال ۱۸۸۰ میلادی به طور عادی، مناظره را آغاز و دعوت به اسلام کرد. وی سعی می‌کرد تا خودش را معتقد به عقاید اسلام معرفی کند. شماری از مسلمانان، عقاید او را از لابه‌لای کتاب‌هایش جست‌وجو می‌کردند.^۳ قادیانی، خود را افضل اولیای امت می‌شمرد.^۴

۴. وی در سال ۱۸۸۸ میلادی از مردم خواست تا با او بیعت کنند و خود را «مجدد» و «مأمور من الله» و مماثل مسیح عَلَيْهِ السَّلَام معرفی کرد. در سال ۱۹۹۱ میلادی اعلام نمود حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام زنده نیست. در سال ۱۹۰۰ میلادی مریدانش او را آشکارا نبی خطاب کردند. وی در سال ۱۹۰۱ میلادی با تعبیرهایی مانند «رسول ناقص»، «رسول جزئی» و «محدث» خود را نبی مرسل خواند و اعلام کرد که کتاب‌هایی که در آنها نسبت نبوت را به خود منکر شده بود، منسوخ بوده و احتجاج به آنها علیه او درست نیست.^۵

۵. وی در سال ۱۹۰۴ میلادی ادعا کرد که «کرشن» است.^۶
 ۶. سلوم سامرائی می‌گوید: ابتدا قادیانی مدعی شد که مجدد است، سپس ادعای مهدویت کرد، بعد خود را نبی خواند و سرانجام نیز خود را نبی مرسل (نبی غیر مستقل و تابع) خواند و ادعا کرد وحی بر او نازل می‌شود. او در این مدت، قرآن را تحریف معنوی و تأویل فاسد نمود.^۷

وی از یک سو می‌گوید: حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام چون رسول و نبی مرسل است، نمی‌تواند تابع اسلام باشد، اما از سوی دیگر، خود را رسول و تابع اسلام می‌داند. اگر او نبی مرسل است، نباید تابع اسلام باشد.^۸ از یک سو، ادعا می‌کند که وحی بر او نازل شده، یعنی خاتمیت پیامبر اسلام را رد کرده است،^۹ از طرف دیگر، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را خاتم النبیین می‌داند.^{۱۰}

نشانه‌های ادعای مأموریت هدایت مردم از جانب خدا چه بوده است؟

قادیانی می‌گوید:

دو بیماری داریم که یکی مربوط به نیمه بالای بدن و دیگری مربوط به پایین بدن می‌شود. مرض بالای بدنم سرگیجی است و مرض پایین بدنم استمرار بول است. این دو بیماری از زمانی به من روی آوردند که ادعا کردم از سوی خداوند مأمور هدایت مردم شده‌ام.^{۱۱}

قادیانی‌ها این دو بیماری را از نشانه‌های ظهور مهدی می‌دانند و می‌گویند: در روایات آمده است که مهدی موعود مبتلا به این دو بیماری خواهد بود.^{۱۲}

آیا نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام تحقق پیدا کرده است؟

قادیانی که ادعای مهدویت کرده به اتفاق پیروانش در علامات ظهور گفته‌اند: «در زمان ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام زمین با طراوت و سرسبز می‌گردد و در همه جا امنیت برقرار خواهد شد».^{۱۳} در حالی که بعد از قادیانی، روز به روز زمین طراوت خود را از دست داد و خشک‌سالی‌ها بیشتر و امنیت زمین در جهان کمتر شد.

دیدگاه قادیانی نسبت به نبوت و خاتمیت چیست؟

میرزا غلام احمد قادیانی ابتدا اعتقاد داشت که حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آخرین پیامبر آسمانی است و می‌گفت: مگر نمی‌دانید که خدای رحیم و صاحب فضل، نبی ما را «خاتم النبیین» خوانده و پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز خود این مطلب را به طور روشن تفسیر کرده و گفته است: «لانی بعدی».^{۱۴} اگر قائل به جواز ظهور نبی دیگری غیر از پیامبر خودمان شویم، قائل به جواز فتح باب نبوت بعد از انسداد شده‌ایم که اشتباه است.^{۱۵}

وی پس از ادعای نبوت گفت: علت غایی بعثت من، تجدید و تأیید اسلام است. فکر نکنید که من شریعت جدیدی آورده‌ام یا کتاب جدیدی نازل شده است. هر کس چنین عقیده‌ای داشته باشد، از نظر من گمراه و بی‌دین است. شریعت و نبوت بر آن حضرت خاتمه پیدا کرده و شریعت دیگری نخواهد آمد، چون اسلام یتیم گشته و گرفتار مشکلات شده، خدا مرا برای سرپرستی آن مبعوث کرده است.^{۱۶}

قادیانی در سال ۱۹۰۱ میلادی، در اعلامیه «یک غلطی کا ازاله» (برطرف کردن یک اشتباه) بیان کرد: من یک «رسول تابع» و غیر مستقل هستم. وحی بر من نازل می‌شود و علم غیب نیز می‌دانم، اما صاحب شریعت نیستم و به واسطه پیامبر اسلام، افاضه می‌کنم.

به این ترتیب، از نظر او، مهر ختم نبوت شکسته نمی‌شود و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «خاتم نبیین» است. وی وجود خود را مستقل نمی‌داند، بلکه می‌گوید: من وجود بروزی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستم.^{۱۷}

قادیانی می‌گوید: بنابر آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»^{۱۸} «رسول» نمی‌تواند تابع «رسول» دیگر باشد. پس من رسول نیستم، بلکه محدث هستم.

با این حال قادیانی می‌گوید: حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام در زمان ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به دنیا

ابتدا قادیانی مدعی شد که مجدد است، سپس ادعای مهدویت کرد، بعد خود را نبی خواند و سرانجام نیز خود را نبی مرسل (نبی غیر مستقل و تابع) خواند و ادعا کرد وحی بر او نازل می‌شود.

برمی‌گردد و از طریق وحی، تمام احکام اسلامی را یاد می‌گیرد. پس خاتمیت پیامبر ﷺ نقض می‌شود.^{۱۹}

قادیانی ادعا می‌کند که وحی بر او نازل شده است. وی در اکثر کتاب‌هایش، از نزول وحی و الهام بر خود و داشتن علم غیب سخن گفته است. او در ابتدای کتاب خطبه الهامیه می‌گوید: شکی نیست که آن چه برای شما ایراد می‌کنم، از خدا و آیات الهی است.^{۲۰}

قادیانی در کتاب اعجاز المسیح، می‌گوید: این کتاب که از طرف خدا به او القا شده، تفسیر سوره حمد است.^{۲۱} (هر دو کتاب به زبان عربی نوشته شده‌اند، ولی اعجاز مسیح به فارسی نیز ترجمه شده است.)

پسرش، بشیرالدین محمود، در مناظره با سلمان ظاهر عاملی می‌گوید: «خاتم النبیین» به معنای آخرین پیامبر نیست، بلکه به معنای زینت تمام پیامبران است. عایشه گفته است: «قولوا خاتم النبیین ولاتقولوا لانبی بعدی.»

او عبارت «لانبی بعدی» را به نیامدن نبی در زمان حیات پیامبر اسلام ﷺ معنا کرده است.^{۲۲}

چرا قادیانی ادعا کرد که من مسیح موعود هستم؟

قادیانی در ابتدای سال ۱۸۹۱ میلادی کتابی به نام فتح اسلام، توضیح مرام، لزاله اوهام منتشر کرد و ادعا نمود که من مسیح؛ همان مسیحی که پیامبر اسلام درباره رجعت او در پایان جهان پیش‌گویی کرده بود.^{۲۳}

وی پس از انتشار این کتاب، اعلام کرد: بزرگان دین و اولیای صاحب کرامت گفته‌اند مسیح موعود قبل از قرن چهاردهم یا در ابتدای قرن چهاردهم هجری به دنیا باز خواهد گشت. اکنون کسی ادعای مسیح بودن را ندارد. ظاهراً در قرن چهاردهم نیز کسی این ادعا را نکرده است. پس من مسیح موعود هستم.^{۲۴} او معتقد بود حضرت عیسی علیه السلام مرده است.^{۲۵} قادیانی، خود را مثل (تجلی) حضرت عیسی می‌دانست.^{۲۶}

آیا میان قادیانی و حضرت مسیح علیه السلام شباهتی وجود دارد؟

برای این که ثابت کنیم هیچ شباهتی بین قادیانی و مسیح علیه السلام وجود ندارد، روایاتی را درباره ظهور حضرت مسیح در پایان دنیا ذکر می‌کنیم:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

ثم إن المهدي يرجع إلى بيت المقدس فيصلی بالناس أياماً. فإذا كان يوم الجمعة وقد أقيمت الصلوة ينزل عيسى بن مريم في تلك الساعة من السماء و عليه ثوبان أحمران، كأنما يقطر من رأسه الدهن. و هو رجل صبيح المنظر والوجه،

أشبه الخلق بإبراهيم، فيأتي المهدي و يصفحه و يبشّره بالناصر فعند ذلك يقول له المهدي: تقدّم يا روح الله وصل بالناس، فيقول عيسى: بل الصلوة لك يا بن رسول الله: فعند ذلك يؤذّن عيسى و يصلی خلف المهدي؛^{۲۷}

آن‌گاه که مهدی علیه السلام به بیت المقدس باز می‌گردد، چند روزی با مردم نماز می‌خواند. چون روز جمعه شود و نماز برپا گردد، عیسی بن مریم علیه السلام در آن ساعت از آسمان فرود آید. هنگام نزول، دو جامه سرخ بر تن او خواهد بود و از سر او قطره‌های عرق چون روغن خواهد ریخت. او مردی زیبا و خوش اندام است، شبیه‌ترین مردم به حضرت ابراهیم علیه السلام است، به سوی مهدی علیه السلام می‌آید و با او مصافحه می‌کند و به او نوید پیروزی می‌دهد. حضرت مهدی علیه السلام به او می‌گوید: ای روح‌الله! جلو بایست و با مردم نماز بخوان. عیسی علیه السلام می‌گوید: ای فرزند پیامبر! نماز برای تو برپا شده است. حضرت عیسی علیه السلام اذان می‌گوید و پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾^{۲۸} فرمود:

إن عيسى قبل يوم القيامة، ينزل إلى الدنيا، فلا يبقى أهل ملّة، يهودي و لا غيره، إلا آمن به قبل موته و يصلی خلف المهدي؛^{۲۹}

به طور مسلم، عیسی علیه السلام پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد. پیرو هیچ آیینی (یهودی و غیریهودی) بر روی زمین نمی‌ماند، جز این که پیش از وفاتش به او ایمان می‌آورد. او پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند.

ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود:

پسر مریم به عنوان حاکم عادل نازل خواهد شد و صلیب را خواهد شکست.^{۳۰}

بر اساس این روایات، مسیح موعود با نام عیسی پسر مریم علیه السلام ظهور خواهد کرد، در حالی که قادیانی، پسر غلام مرتضی است و اسم مادرش، مریم نیست. قادیانی خود را «مهدی» و «عیسی» خوانده است، در حالی که در روایات، عیسی علیه السلام غیر از مهدی علیه السلام است. عیسی علیه السلام صلیب را خواهد شکست، یعنی مسیحیان به اسلام می‌پیوندند، در حالی که بعد از قادیانی، مسیحیت در شبه قاره هند و قاره‌های دیگر گسترش یافت.

پیش‌گویی‌های قادیانی چگونه بود؟

غلام احمد قادیانی برای فریب مردم و اثبات ادعاهای دروغین خود، پیش‌گویی‌هایی کرده است. پیش‌گویی‌های قادیانی خبرهای عادی‌ای بود که برخی از آنها اتفاق افتاد و دسته‌ای از آنها هیچ‌گاه روی نداد. قادیانی با سوءاستفاده از سادگی مردم، از حوادثی که در جامعه روی می‌داد، بهره‌برداری می‌کرد و برخی از گفته‌های پیشین خود را

که به گونه‌ای منطبق بر آن می‌یافت، به آن حادثه‌ها تفسیر می‌کرد و ادعا می‌نمود که همان پیش‌گویی‌های اوست.^{۳۱}

وی گاهی با بیان و ادعای روی دادن امری در آینده، نهایت تلاش خود را برای تحقق آن به کار می‌بست، ولی هیچ‌گاه موفق نمی‌شد.

نمونه‌هایی از پیش‌گویی‌های قادیانی به شرح زیر است:

روزی احمدبیگ (مردی از اقوام قادیانی)، به قادیانی احتیاج پیدا کرد و از وی کمک خواست. قادیانی گفت: به تو کمک می‌کنم به شرطی که محمدی‌بیگم دخترت را به عقد من درآوری. در این زمان سن قادیانی از پنجاه می‌گذشت و مبتلا به چندین مرض بود. احمدبیگ پیش‌نهاد او را نپذیرفت.

اما شوق قادیانی برای ازدواج با این دختر زیاد شده بود، لذا گفت خدا به من خبر داده که با دختر بزرگ احمدبیگ ازدواج خواهم کرد، هرچند خانواده‌اش مخالف باشد و وعده الهی هیچ وقت تغییر نخواهد کرد. در این مدت، کوشید تا احمد بیگ را راضی کند یا بترساند. به همین جهت، الهامات مختلفی را ذکر کرد که وعده الهی است و به وقوع خواهد پیوست. او به احمدبیگ می‌گفت: اگر درخواستم را اجابت نکنی مشکلات زیادی در زندگی‌ات پیش خواهد آمد و اگر جواب مثبت دهی، درهای خزاین بر تو باز خواهند شد. احمدبیگ پیش‌نهادهای دیگر او مانند اعطای باغ، زمین، پول، شفاعت پسرش نزد دولت و... را نیز نپذیرفت.

در این زمان به احمدبیگ گفت: این حرف من که از طرف خدا گفته‌ام، به هزاران نفر رسیده است. اگر جواب مثبت ندهی، همه مرا تکذیب خواهند کرد. در این میان، برخی از افراد (زن اول و دو پسر بزرگش که نسبت نزدیکی با احمدبیگ داشتند) را واسطه قرار داد، اما درخواست او به واقعیت نپیوست و آن دختر با دیگری ازدواج کرد. قادیانی نیز در نگاه عموم مردم دروغ‌گو و کذاب شناخته شد، اما باز از اصرار خود دست برنداشت و گفت: عقد این زن با من در آسمان خوانده شده و شوهر فعلی او خواهد مرد و وعده الهی به حقیقت خواهد پیوست و صدق من ثابت خواهد شد و ملامت‌کنندگان شرمند خواهند گشت و شوهر و پدر این زن تا سه سال دیگر خواهند مُرد. لذا این پیش‌گویی را معیاری برای صدق و کذب خود قرار داد، اما بعد از چندین سال شوهر آن زن نمرد. قادیانی گفت: خدایا اگر الهام از طرف تو بود، پس این را به واقعیت برسان و اگر از طرف تو نبود، مرا بکش! که سرانجام بعد از مدت‌ها کوشش برای به دست آوردن آن زن، این آرزو را به گور برد.^{۳۲}

قادیانی از روی دادها چه سوءاستفاده‌هایی کرد؟

آن هنگام که هندویی به نام «پاندت دیانند» از مخالفان قادیانی درگذشت، وی از فرصت سوءاستفاده کرد و گفت: من مرگ او را پیش‌بینی کرده بودم. او شاهد این مطلب را شخصی از هندوها به نام «شرمبات» می‌دانست.^{۳۳}

با وجود این، شرمبات اعلام کرد که قادیانی دجال است، دروغ می‌گوید و هرگز چنین خبری را به او نگفته است.^{۳۴}

افزون بر این، تاکنون کسی از قادیانی‌ها نتوانسته بنابر کتاب‌های قادیانی اثبات کند که قادیانی قبل از موت پاندت‌دیاند، این پیش‌گویی را مطرح کرده است.

همین‌طور وقتی عبداللطیف و عبدالرحمن از مریدان قادیانی و جاسوس‌های انگلیس در افغانستان، کشته شدند و خبر مرگ آنان به قادیانی رسید، اعلام کرد که در براهین احمدیه در صفحه ۵۱۱

قادیانی در ابتدای سال ۱۸۹۱ میلادی کتابی به نام فتح اسلام، توضیح مرام، ازاله اوهام منتشر کرد و ادعا نمود که من مسیحیم؛ همان مسیحی که پیامبر اسلام درباره رجعت او در پایان جهان پیش‌گویی کرده بود.^{۳۵}

از قتل آنها خبر داده‌ام و اشاره کرد به الهام خود که گفته بود: «ذبح الشاتان» که «شاتان» را همین دو کشته در نظر داشته است.^{۳۵} از این‌روی، قادیانی دو گوسفند را به معنای دو آدم یاد می‌کند!

جالب‌تر این‌که در جای دیگر همین الهام را جور دیگر تفسیر کرده و گفته است: منظور از «شاتان» شوهر محمدی بیگم و پدر او هستند.^{۳۶} قادیانی در سال ۱۸۹۷ میلادی کتابی به نام (سراج منیر) نوشت که در همان سال نیز شخصی به نام (لیکهرام) به قتل رسید. قادیانی می‌گوید: در سال ۱۸۹۳ به من الهام شد در مورد مرگ لیکهرام و من این پیش‌گویی را کردم که بعد از ۶ سال او خواهد مرد.^{۳۷}

او می‌گوید: در سال ۱۸۹۷ میلادی لیکهرام به قتل رسید و بعد از شش سال پیش‌گویی من به واقعیت پیوست.^{۳۸} (در حالی که ظاهراً بعد از چهارسال به قتل رسیده است، نه شش سال)

در همین کتاب آورده است: جرم قتل لیکهرام را به خود او (قادیانی) نسبت داده‌اند، چون مردم نامه‌هایی به قادیانی نوشته‌اند که متهم را قادیانی دانسته‌اند.^{۳۹}

قادیانی درباره یکی از مخالفان خود به نام «دوئی» گفت: او خواهد مرد. چه با من مباحله کند و چه نکند.^{۴۰} وقتی دوئی مُرد، قادیانی‌ها گفتند که او بر اساس خبر غلام احمد مرده است.^{۴۱} اگر این خبر که بدون زمان معینی گفته شده، علامت نبوت باشد، همه می‌توانند نبی باشند، چون همه می‌توانند مرگ حتمی مردم را از

پیش بگویند، از آن روی که ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾^{۴۲} و ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾^{۴۳}

علاوه بر این‌که خود غلام احمد گفته است که هر خبری دلیل بر نبوت نمی‌تواند باشد، بلکه خبر باید خارق‌العاده باشد^{۴۴} و تنها قدرت خدا چنان است و حتی اخبار منجمان از زلزله و جنگ و آفات آن‌گونه نیست.^{۴۵}

از این‌رو، هر چند قادیانی‌ها می‌گویند که قادیانی از زلزله و طاعون خبر می‌داده و خیلی از زلزله‌ها و طاعون‌ها به وقوع پیوسته‌اند، نبوت او ثابت نمی‌شود؛ چون آن حوادث طبیعی هستند و بسیار اوقات رخ می‌دهند. خود قادیانی نیز می‌گوید: خبر باید خارق‌العاده باشد.

نورالدین خلیفه اول قادیانی گفته است: قحطی، زلزله و آفات چیزهای طبیعی هستند و نمی‌توان ادعا کرد که خبر دادن از وقوع آنها، بدون تعیین زمان، بر نبوت دلالت می‌کند.^{۴۶} علاوه بر این‌که قادیانی خبرهای فراوانی را گفته است که به وقوع نپیوسته‌اند.^{۴۷}

در هر حال، برای جلب توجه عوام و ساده‌لوحان، اموری را نقل می‌کنند که اهمیت معجزه و امور غیبی را ندارند. از سوی دیگر، باید بدانیم که برای اثبات صدق نبوت، معجزه باید به گونه‌ای باشد که مردم دیگر از انجام آن عاجز بمانند و معجزه‌کننده، در حضور مردم، به همراه معجزه، نبوت را هم ادعا کند، در حالی که چنین مواردی برای قادیانی پیش نیامده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

۱. گل‌زبهر، درس‌هایی درباره اسلام (فرقه‌ها)، ص ۲۰۴.
۲. هاشم حسین، روزنامه جهان اسلام، ۱۳۷۱/۸/۳۰، ترجمه احسان عبداللہی. (به نقل از: نشریه عربی زبان العالم، شماره ۴۹۹، ص ۱۱)
۳. ابوالاعلی مودودی و علی ندوی و احسان الہی ظہیر، القادیانی و القادیانیہ دراسات و تحلیل و عرفی علمی، ص ۲۱.
۴. همان. (به نقل از: میرزا بشیرالدین احمد محمود، سیرۃ المہدی، ج ۱، ص ۱۴ به بعد)
۵. احسان الہی ظہیر، القادیانی و القادیانیہ...، ص ۲۳. (به نقل از: غلام احمد قادیانی، حقیقت النبوت، ص ۱۲۱)
۶. یعنی اعتقاد به خدایی او، چون «کرشن» از خداهای ہندوہاست. (همان، به نقل از: محاضرات میرزا قادیانی، ۱۹۰۴/۱۱/۲، ص ۳۴)
۷. همان، ص ۲۰.
۸. غلام احمد قادیانی، روحانی خزائن، ج ۳، ص ۴۰۷.
۹. همان، ص ۴۱۱.
۱۰. همان، ج ۲، ص ۲۷۹ به بعد.
۱۱. القادیانی و القادیانیہ...، ص ۱۹-۱۷. (به نقل از: غلام احمد قادیانی، حقیقت الوحی، ص ۲۰۶-۲۰۷)
۱۲. بشیرالدین محمود احمد، تفسیر کبیر، ج ۶، ص ۱۵۰.

۱۳. روحانی خزائن، ج ۱۴، ص ۴۰۰ به بعد.
۱۴. ایسن روایت در روحانی خزائن (نشانه‌های ظهور مهدی) نیز آمده که در آنجا منکر آمدن نبی دیگری شده و این را نشانه‌ای از نشانه‌های ظهور مهدی می‌داند. (روحانی خزائن، ج ۱۴، ص ۴۰۰)
۱۵. القادیانی والقادیانیه...، ص ۲۴ (به نقل از قادیانی، حمامة البشیری، ص ۳۴-استدلال-های دیگری نیز وجود دارد که برای اطلاع بیشتر به همین کتاب از صفحه ۲۳ به بعد مراجعه شود).
۱۶. روحانی خزائن، ج ۲۰، ص ۲۷۹ به بعد.
۱۷. «یک غلطی کا ازاله» (جبران یک اشتباه)، ص ۲، سال ۱۹۰۱ میلادی.
۱۸. «و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن که به توفیق الهی از او اطاعت کنند.» (سوره نساء، آیه ۶۴)
۱۹. روحانی خزائن، ج ۳، ص ۴۱۱.
۲۰. غلام احمد قادیانی، خطبة الهامیه، انتشارات ضیاء الاسلام، قادیان، ۱۳۱۹ قمری.
۲۱. غلام احمد قادیانی، اعجاز المسیح، انتشارات ضیاء الاسلام، قادیان، ۱۳۱۸ قمری.
۲۲. سلمان الظاهر العاملی، القادیانیه دفع اوهام «توضیح المرام» فی الرد علی القادیانیه، تحقیق محمدحسین طالقانی، ص ۲۴۰، چاپ اول: انتشارات الغدیر، بیروت، ۱۴۲۰ قمری.
۲۳. روحانی خزائن، ج ۳، ص ۳.
۲۴. القادیانی و القادیانیه...، ص ۱۹۹-۲۰۰. (به نقل از: ازاله اوهام قادیانی، ص ۶۸۵)
۲۵. روحانی خزائن، ج ۱۴، ص ۴۰۰؛ درس‌هایی درباره اسلام (فرقه‌ها)، ص ۲۰۴-۲۰۸.
۲۶. کامل سلیمان، روزگارهایی، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، ج ۱، ص ۵۵۲، چاپ چهارم: نشر آفاق، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۲۷. همان، ص ۵۵۲.
۲۸. «و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.» (سوره نساء، آیه ۱۵۹)
۲۹. همان، ص ۵۵۶.
۳۰. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳، انتشارات دارالفکر، بیروت ۱۴۰۱ قمری.
۳۱. القادیانی و القادیانیه...، ص ۱۸۶-۱۸۷.
۳۲. همان، ص ۱۶۷-۱۷۳. (به نقل از: غلام احمد قادیانی، ازاله اوهام، ص ۳۹۶): غلام احمد قادیانی، حکم آسمانی، ص ۴۰؛ همو، ضمیمه انجام آثم، ص ۵۴؛ رساله او به احمدیگ (منقول از: «نوشته غیب»، ص ۱۰۰، همو)؛ مرآة کمالات اسلام، ص ۵۷۳؛ رساله او به احمدیگ (منقول از: فضل رحمانی، ص ۱۲۳)؛ اعلام او مندرج در تبلیغ رسالت، ج ۲، ص ۹؛ اعلام او مندرج در کتاب منظور الهی، ص ۲۴۴؛ انجام آثم، ص ۲۳۳؛ اعلام او مندرج در تبلیغ رسالت، ج ۳، ص ۱۸۶.
۳۳. القادیانی و القادیانیه...، ص ۱۸۷. (به نقل از احمدیه باکت بک).
۳۴. همان. (به نقل از: کلیات پادنت لیگرام و تکذیب براهین احمدیه)
۳۵. القادیانی و القادیانیه...، ص ۱۸۷-۱۸۸. (به نقل از: قادیانی، تذکره الشهادتین)
۳۶. همان، ص ۱۸۸. (به نقل از: غلام احمد، انجام آثم، ص ۵۷)
۳۷. میرزا غلام احمد، سراج منیر، ص ۱۲، انتشارات ضیاء الاسلام، قادیان، ۱۸۹۷ میلادی.
۳۸. همان، ص ۲۳ به بعد.
۳۹. همان.
۴۰. القادیانی و القادیانیه...، ص ۱۸۹. (به نقل از: خادم قادیانی، احمدیه پاکت بک، ص ۳۸۴)
۴۱. همان.
۴۲. «هر چه بر [زمین] است فانی شونده است. و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند.» (سوره رحمان، آیه ۲۶ و ۲۷)
۴۳. «هر نفسی چشنده مرگ است.» (سوره آل عمران، آیه ۱۸۵؛ سوره انبیا، آیه ۳۵)
۴۴. القادیانیه، ص ۱۸۹. (به نقل از: غلام قادیانی، تریاق القلوب، ص ۱۱۵۱)
۴۵. القادیانی و القادیانیه...، ص ۱۹۰. (به نقل از: غلام احمد، براهین احمدیه، ص ۲۵۵)
۴۶. همان، ص ۱۹۱. (به نقل از: نورالدین، فصل الخطاب)
۴۷. همان.